



جامعه عاشورایی، زمینه ساز ظهور

از راهم بر نمیگردم. آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت. «صدقوا ما عاهدوا الله علیه.» لقلقه زبان را که - خوب همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد. ۷۴/۰۳/۰۳

فرض کنیم شب عاشورا، وقتی حضرت فرمود که «من بیعتم را برداشتم؛ بروید.» همه میرفتند. ابوالفضل و علی اکبر هم میرفتند و حضرت تنها میماند. روز عاشورا چه میشد؟ حضرت بر میگشت، یا می ایستاد و می جنگید؟ در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه دنیا در مقابل من باشند،



معلوم شدن باطن افراد در روزهای عاشورایی

منبر انسان تدبیر که می کند، می فهمد چرا از زبان چند نفر از ائمه (ع) نقل شده است که خطاب به سیدالشهدا (ع) فرموده اند: «لایوم کیومک یا ابا عبدالله» (۱) یعنی هیچ حادثه ای مثل حادثه تو و مثل روز تو نیست. چون عاشورا یک واقعه استثنایی بود. لبّ و جوهر حادثه عاشورا این است که در دنیایی که همه جای آن را ظلمت و فساد و ستم گرفته بود، حسین بن علی (ع) برای نجات اسلام قیام کرد و در این دنیای بزرگ، هیچ کس به او کمک نکرد حتی دوستان آن بزرگوار، یعنی کسانی که هر یک می توانستند جمعیتی را به این میدان و به مبارزه با یزید بکشانند، هر کدام با عذری، از میدان خارج شدند و گریختند...

این، یک عبرت عجیب در تاریخ است. آن جا که بزرگان می ترسند، آن جا که دشمن چهره بسیار خشنی را از خود نشان می دهد، آن جا که همه احساس می کنند اگر وارد میدان شوند میدان غریبانه ای آنها را در خود خواهد گرفت؛ آن جاست که جوهرها و باطن افراد شناخته می شود.

(۱) امالی، شیخ صدوق، ص ۱۱۵

۷۱/۴/۱۰

مخلصانه در مجالس عزاداری شرکت کنید

هیئت هم مردم و هم روحانیون، باید از نعمت مجالس عزاداری استفاده کنند. استفاده مردم این است که به مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع)، دل ببندند و این مجالس را - در سطوح مختلف - هر چه میتوانند بیشتر اقامه کنند. مردم باید مخلصانه و برای استفاده، در مجالس عزاداری حسینی شرکت کنند؛ نه برای وقت گذراندن، یا به صورت عامیانه ای، فقط به عنوان ثواب اخروی که نمیدانند هم، این ثواب اخروی از کجای آید؟ مسلماً شرکت در مجالس مذکور، ثواب اخروی دارد؛ اما ثواب اخروی مجالس عزاداری، چه ناحیه و به چه جهت است؟ مسلماً مربوط به جهتی است که اگر آن جهت نباشد، ثواب هم نیست. بعضی از مردم متوجه این نکته نیستند. همه باید در این مجالس شرکت کنند، قدر مجالس عزاداری را بدانند، از این مجالس استفاده کنند و روحاً و قلباً این مجالس را وسیله ای برای ایجاد ارتباط و اتصال هر چه محکم تر میان خودشان و حسین بن علی (ع)، خاندان پیغمبر و روح اسلام و قرآن قرار دهند.

۷۳/۳/۱۷

توسل به ائمه اینگونه باشد

مسئله پرسیدند آیا انسان می تواند در هنگام سخن گفتن و توسل کردن به ائمه دستان خود را مانند دعا به سمت آسمان بگیرد؟ همه می دانند که ما دعا را از خدا می خواهیم؛ یعنی درخواست حاجت از خداوند است و ائمه اطهار (ع) را واسطه فیض الهی می دانیم و به آنها توسل می جویم به عنوان حجج و اولیای الهی که در پیشگاه خداوند قرب و منزلتی دارند آنها را واسطه قرار می دهیم. وابتغوا الیه الوسیله؛ این دستور قرآن است. بنابراین اگر دست به دعا برداشتند و خدا را قسم دادند - مثلاً به امام حسین (ع)، به پیامبر اعظم (ع) و سایر اولیای الهی - دعایی داشتند و حاجتی خواستند، این اشکالی ندارد. همچنین همه مراجع معظم تقلید و حضرت آقا فتاوی شان بر این است که اگر کسی به حرم مشرف شد و برای صاحب حرم، حتی امام، سجده کند آن سجده حرام است؛ سجده فقط برای خداست. سجده شکر به عنوان شکر الهی جهت زيارتی که نصیبش شده این اشکالی ندارد.

دفتر استفتائات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

عبرت



انزال کتابهای الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمداهای ظلم و زورگویی و فساد از میان

برخیزد. حرکت امام حسین (ع)، چنین حرکتی بود. فرمود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی». همچنین فرمود: «اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم سر نوشت است. فرمود: من برای گردنکشی و تفرعن حرکت نکردم. دعوت مردم عراق از امام حسین (ع) برای این بود که برود و حکومت کند؛ امام هم به همین دعوت پاسخ دادند. یعنی چنین نیست که امام حسین (ع) به فکر حکومت نبود، امام حسین (ع) به فکر سرکوب کردن قدرتهای طاغوتی بود؛ چه با

نگاهی تحلیلی به نهضت عاشورا | دو

سکوت در برابر کانون ظلم، جایز نیست

گرفتن حکومت و چه با شهادت و دادن خون. امام حسین (ع) می دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد. وقتی قدرتی همه ای امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می گیرد و جلو می رود، اگر مردان و داعیه داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می رسد، بدون این که خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آزادگان بنی هاشم و فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین (ع) این را بر نمی تافت؛ لذا قیام کرد. ۸۰/۱۲/۲۷



شبیه ترین شخص به پیامبر (ص)

یاران علی اکبر را هجده ساله تائیس و پنج ساله نوشته اند؛ یعنی حداقل هجده سال و حداکثر بیست و پنج سال. میگوید: «خرج علی بن الحسین»؛ علی بن الحسین برای جنگیدن، از خیمه گاه امام حسین خارج شد. باز در این جا راوی میگوید: «و کان من اشبه الناس خلقاً»؛ این جوان، جزو زیباترین جوانان عالم بود؛ زیبا، رشید، شجاع. «فاستأذن اياه فی القتال»؛ از پدر اجازه گرفت که برود بجنگد. «فأذن له»؛ حضرت بدون ملاحظه اذن داد. خدای متعال، علی اکبر را به امام حسین می دهد. وقتی این جوان کمی بزرگ می شود، یا به حد بلوغ می رسد، حضرت می بیند که چهره، درست چهره ی پیامبر است؛ همان قیافه ای که این قدر به او علاقه داشت و این قدر عاشق او بود، حالا این به جد خودش شبیه شده است. حرف می زند، صدا شبیه صدای پیامبر است. حرف زدن، شبیه حرف زدن پیامبر است. اخلاق، شبیه اخلاق پیامبر است؛ همان بزرگواری، همان کرم و همان شرف. بعد این گونه میفرماید: «کتا اذا اشتقنا الی نبیک نظرنا الیه»؛ هر وقت که دلمان برای پیامبر تنگ میشد، به این جوان نگاه میکردیم؛ اما این جوان هم به میدان رفت. «فصاح و قال یابن سعد قطع الله رحمک کما قطعت رحمی». بعد نقل میکند که حضرت به میدان رفت و جنگ بسیار شجاعانه ای کرد و عده زیادی از افراد دشمن را تارومار نمود؛ بعد برگشت و گفت تشنه ام. دوباره به طرف میدان رفت. وقتی که اظهار عطش کرد، حضرت به او فرمودند: عزیزم! یک مقدار دیگر بجنگ؛ طولی نخواهد کشید که از دست جدت پیامبر سیراب خواهی شد. وقتی امام حسین این جمله را به علی اکبر فرمود، علی اکبر در آن لحظه آخر، صدایش بلند شد و عرض کرد: «یا ابتا علیک السلام»؛ پدرم! خدا حافظ. «هذا جدی رسول الله یرتک السلام»؛ این جدم پیامبر است که به تو سلام میفرستد. «و یقول عجل القدوم علینا»؛ میگوید بیایه سمت ما. ♦

۷۷/۰۲/۱۸



برنامه عزاداری محرم ۱۴۳۷

مجلس عزاداری در حضور رهبر معظم انقلاب از هفتم تا دوازدهم محرم برابر با ۹۴/۷/۲۹ تا ۹۴/۸/۳، به مدت ۵ شب، همراه با اقامه ی نماز جماعت مغرب و عشاء در حسینیه ی امام خمینی واقع در خیابان فلسطین جنوبی، تقاطع خیابان آذر با یحان برگزار می شود.

♦ شب اول | چهارشنبه - ۲۹ مهر ۱۳۹۴

قاری: جناب آقای مسعود گرجی
مداح قبل از منبر: جناب آقای علی انسانی
حجت الاسلام والمسلمین صدیقی
عزاداری: جناب آقای منصور ارضی

♦ شب دوم | پنجشنبه - ۳۰ مهر ۱۳۹۴

مداح قبل از منبر: جناب آقای سماواتی
حجت الاسلام والمسلمین پناهیان
عزاداری: جناب آقای میثم مطیعی

♦ شب سوم | جمعه - ۱ آبان ۱۳۹۴

مداح قبل از منبر: جناب آقای حسین اکبری
حجت الاسلام والمسلمین عالی
عزاداری: جناب آقای محمود کریمی

♦ شب چهارم | شنبه - ۲ آبان ۱۳۹۴

مداح قبل از منبر: جناب سید محمد موسوی
حجت الاسلام والمسلمین رفیعی
عزاداری: جناب آقای محمد طاهری

♦ شب پنجم | یکشنبه - ۳ آبان ۱۳۹۴

مداح قبل از منبر: جناب آقای مرتضی طاهری
حجت الاسلام والمسلمین خاتمی
عزاداری: جناب آقای سعید حدادیان



ثبت بن ربیعی

بیخواس شرح حال خواص صدر اسلام و علل انحراف آن ها پس از پیامبر (ع)
چطور شد که جامعه ی اسلامی به محوریت پیامبر عظیم الشان، بعد از پنجاه سال کارش به آن جا رسید که فرزندان همین پیغمبر را با فجیعترین وضعی کشتند؟

چند مثال از خواص: خواص در این پنجاه سال چگونه شدند که کار به این جا رسید؟ به داخل شهر کوفه برگردیم؛ وقتی که عیدالله بن زیاد به رؤسای قبایل کوفه گفت بروید و مردم را از دور مسلم پراکنده کنید و گرنه پدرتان را در می آورم چرا امر او را اطاعت کردند؟! رؤسای قبایل که همه شان اموی نبودند و از شام نیامده بودند! بعضی از آنها جزو نویسندگان نامه به امام حسین (ع) بودند.

شَبَّ بن ربَیعی یکی از آنها بود که به امام حسین (ع) نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد. همو، جزو کسانی است که وقتی عیدالله گفت بروید مردم را از دور مسلم متفرق کنید قدم پیش گذاشت و به تهدید و تطمیع و ترساندن اهالی کوفه پرداخت! چرا چنین کاری کردند؟!

اگر امثال شَبَّ بن ربَیعی در یک لحظه ی حساس، به جای این که از ابن زیاد بترسند، از خدای ترسیدند، تاریخ عوض می شد. گیرم که عوام متفرق شدند؛ چرا خواص مؤمنی که دور مسلم بودند از او دست کشیدند؟ بین اینها افرادی خوب و حساسی بودند که بعضیشان بعداً در کربلا شهید شدند؛ اما این جا، اشتباه کردند. ♦

۷۵/۰۲/۲۰ و ۷۷/۰۲/۱۸

